

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه - کابل

۰۵ اپریل ۲۰۱۹



ملا نصرالدین و همسایه های ملی گرا و ناسیونالیست وی

ملا نصرالدین دو همسایه بسیار ملی گرا و ناسیونالیست داشت. یکی چنان ملی بود که اگر می گفتی بوت قومندان لالایت بوی بد داشت، تو را در جا می کشت ولی سنگ های قیمتی وطن را قاچاق کرده به پاکستان به قیمت ذغال می فروخت. دیگری چنان ملی بود که اگر می گفتی لنگی خان بابایت کج بوده است فوراً از پشت گردن حلالیت می کرد، ولی در کردهایش تریاک می کاشت و به وطن داران خود به جای قند می خوراند.

یکی کتاب های فارسی را آتش می زد، دیگری با ورق های کتاب پشتو کونش را پاک می کرد.

ملا نصرالدین سر پالان خر خود شیشته تماشا می کرد و دید و دید که یک روز نه فارسی ماند و نه پشتو و ملی گرایان دو آتسه همه چیز را باختند، نه زبانی برای گفتن داشتند، نه سنگی برای فروختن و نه وطن داری برای گندم کاشتن.

آن یکی که کتاب های فارسی را آتش می زد به کوپته رفت تا کورس انگلیسی بگیرد و به لندن پناهنده شود و آن دیگری که کونش را با کتاب های پشتو پاک می کرد بواسیر گرفت و برای تداوی به دهلی پناه برد.

ملا از سر پالان پائین شد و به یاد تمام ناسیونالیست های کور افغان در جای خالی آخرین سنگی که مفت فروخته شده بود شاشید.